

# جنگ زشت و زیبا

حبیب احمدزاده زبانی متفاوت وارد ادبیات جنگ کرده است



چشم می خورد:

«تالوی شعله‌های غمناک پالایشگاه، بر صورتش افتاده و خیره‌گی چشم مصنوعی اش را بیشتر می‌کند. دومین بار بود که بد خواب می‌شدم. بار اول، صدای انفجار مخزن بزرگ، بیدارم کرد. بالاخره مورد هدف قرار گرفت و میلیون‌ها لیتر بنزین هواپیما را، همچون قارچ آتشی، به آسمان فرستاد. حرارتش را همان طور که بر سایه‌بان سیمانی پشت بام دراز کشیده بودم بر پوست صورتم حس می‌کردم و نور شدیدش، پرده هر دو پلکم را بی‌اثر می‌کرد. این، بار دوم بود... در حال آتش دهانه گرفتن، خوابم برده بود که با تکان دستش، بیدارم کرد. از هیچ چیزی، بیشتر از بد خوابی شبانه منجر نبودم. این را آقا قاسم مستول مقر لب آب می‌دانست و همیشه مراعاتم می‌کرد. چیزی صید کردی؟ - پرویییییی!... نمی‌دیدی که خواب بودم؟ سر جا، نیم‌خیز شدم. دیوار کوتاه آجری، مانع می‌شد که دشمن، ما را در این ارتفاع ببیند. چارزانو پشت سرم نشست و شروع کرد به مالش دادن هر دو شانهم. - مرد هفده‌ساله! باید بیدار باشی! اون دست رو نگاه کنی! گرفتی خوابیدی؟...»

داستان‌هایی که در مورد هشت سال جنگ تحمیلی نوشته می‌شوند در دو گروه کلی جای می‌گیرند؛ گروه اول «داستان‌های جنگی» که جنگ، صرفاً آبیستن سوژه است و در بطن داستان، دو طرف جنگ یکسانند؛ از آن جهت که انسان هستند. انسان بما هو انسان و جدای از عقاید و ارزش‌ها؛ با خصوصیات انسانی و مشترکات فطری بین تمام نوع بشر. و آنچه دستمایه پرداخت داستان است، همین خصوصیات انسان نوعی است. خصوصیات مشترک چون حس انتقام یا عشق‌های انسانی.

اما گروه دوم این داستان‌ها را که

شخصیت بیرونی‌اش، که درونش را هم با اتفاقات پیش می‌برد و بزرگ می‌کند. احمدزاده در کتاب نشان می‌دهد با تک‌گویی‌های درونی همراه با دیالوگ‌هایش با دیگر شخصیت‌ها، نمی‌خواهد برخلاف سایر رمان‌های جنگی تنها به تحسین قهرمان کتاب بپردازد، بلکه به دنبال نشان دادن حقیقتی است که لایه‌لای روزها و داستان‌های جنگ پنهان مانده است. زمانی که ظاهراً نگرشی خوشبینانه نسبت به موضوع جنگ ندارد؛ ولی می‌توان آن را یکی از رمان‌های مهم ادبیات جنگ خواند. کتابی که مجموعه‌ای از پرسش‌های فلسفی، تاریخی، ایدئولوژیکی، اخلاقی و... را در بستر چرخش زمانی، همراه با زبانی تأویل‌پذیر بیان می‌کند.

احمدزاده قهرمانی متفاوت از دفاع مقدس را روایت می‌کند، قهرمانی بسیجی که این بار فرشته نیست، فردی است که اشتباه می‌کند، داد می‌زند، قضاوت می‌کند و این همان چیزی است که در بسیاری از کتاب‌های دفاع مقدس به نوعی کنار گذاشته شده است. نویسنده‌ای که با نگاهی متفاوت به جنگ به دنبال نشان دادن حقیقت آن است، و همین نگرش آثار او را از دیگر نویسندگانی که به این موضوع پرداخته‌اند، متمایز می‌کند.

دیالوگ‌های کتاب حتی راوی را که خود حضوری فعال در آنها دارد، تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب می‌شود تا با همه تلاشی که برای پیشبرد جنگ به نفع مردم سرزمین خود داشته است، گاهی نسبت به حقانیت و درستی عمل خود دچار شک و تردید گردد. زبان نویسنده در سراسر رمان، یکنواخت و یکدست نیست؛ بلکه ترکیبی از حالات عاطفی، کوشش، همدلی و ادبی است و این دقیقاً همان است که در همه آثار مکتوب و غیرمکتوب احمدزاده به

### ظاهر راهی روزنامه‌نگار

حبیب احمدزاده چهره‌ای چندوجهی است؛ او فیلمنامه‌نویسی است که در کنار نام‌هایی مثل خسرو سینایی و ابراهیم حاتمی‌کیا و کیومرث پوراحمد کار کرده. مستندسازی جسور است که برای برخی از آثارش جوایز معتبری دریافت کرده. و البته داستان‌نویسی چیره‌دست که برای هر خواننده‌ای با رمان مشهور «شطرنج با ماشین قیامت» و شخصیت دوست‌داشتنی موسی تصویر می‌شود. هر سه وجه از حبیب احمدزاده شخصیتی ساخته است که برای هر خواننده و بیننده تصویری ماندگار را به ذهنش متبادر می‌کند.

### ادبیات حبیب

«شطرنج با ماشین قیامت» اولین بار در سال ۱۳۸۴ منتشر شد. پیش از این رمان، احمدزاده «داستان‌های شهر جنگی» را منتشر کرده بود که او را به عنوان نویسنده‌ای چیره‌دست معرفی کرده بود. اما این «شطرنج با ماشین قیامت» بود که نام او را به شکلی گسترده سر زبان‌ها انداخت و موجب شد که هم منتقدان و هم خوانندگان هر دو، اثرش را تحسین کنند. کتاب برنده جایزه ادبی اصفهان و شهید غنی‌پور شد، همچنین در کتاب سال، جایزه قلم زرین و انجمن منتقدان و مطبوعات هم نامزد شد.

رمان از زندگی سه روزه یک پسرک ۱۷ ساله بسیجی در شهری که توسط عراقی‌ها محاصره شده و موسایی وجود دارد که در یک مسئولیت به ظاهر ساده، افراد متفاوتی را می‌بیند و این خود آغازکننده ماجراهای اوست.

موسی قهرمانی است که نه تنها

### داستان‌های شهر جنگی



■ نویسنده: حبیب احمدزاده  
■ چاپ: ۱۳۹۱  
■ انتشارات: سوره مهر  
■ تعداد صفحات: ۱۹۲

کتاب «داستان‌های شهر جنگی» اولین کتاب داستانی حبیب احمدزاده است. داستان‌های این کتاب همه واقعیت‌گرا است و با دو شیوه زاویه دید، روایت شده است؛ یکی به طریق واگویی به شکل دوم شخص مفرد و دیگری اول شخص که گاهی به شکل تک‌گویی نمایشی بیان شده است. از ویژگی‌های دیگر بعضی از این داستان‌ها، روایی بودن آن‌ها است.

### بوف کور چگونه ساخته و پرداخته شد



■ نویسنده: حبیب احمدزاده  
■ چاپ: ۱۳۹۵  
■ انتشارات: سوره مهر  
■ تعداد صفحات: ۱۵۸

«گفت‌وگو با سایه» یا «بوف کور چگونه ساخته و پرداخته شد؟» پژوهشی از حبیب احمدزاده درباره «بوف کور» صادق هدایت است که فیلم «گفت‌وگو با سایه»ی خسرو سینایی نیز در سال ۱۳۸۴ براساس آن ساخته شد. احمدزاده در مقدمه کتاب می‌نویسد: همواره این پرسش برای بسیاری مطرح بوده که صادق هدایت چگونه می‌اندیشیده که داستانی چون بوف کور را نوشته یا اینکه در ذهن او چه می‌گذشت که بوف کور حاصل آن شده است.

### شطرنج با ماشین قیامت



■ نویسنده: حبیب احمدزاده  
■ چاپ: ۱۳۸۷  
■ انتشارات: سوره مهر  
■ تعداد صفحات: ۳۵۶

رمان «شطرنج با ماشین قیامت» یک اثر فلسفی اجتماعی درباره سه روز از زندگی یک بسیجی هفده‌ساله در شهری است که توسط عراقی‌ها محاصره شده است. «شطرنج با ماشین قیامت» نگاه جدید و نوگرایانه به مقوله دفاع مقدس دارد و بیانگر این است که دفاع مقدس زمینه‌های رشد نسلی را به وجود آورده است.